

دوست شاه و طراح کمپ دیوید



سایروس ونس، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا در چهاردهم ژانویه 2002 میلادی درگذشت. وی بیست و هفتم مارس 1917 در آمریکا به دنیا آمد و پس از طی تحصیلات متوسطه از دانشگاه ییل فارغ التحصیل شد. او مشاغل کاری خود را از خدمت در نیروی دریایی آمریکا آغاز کرد و از سی سالگی به وکالت پرداخت.

سایروس ونس، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا در چهاردهم ژانویه 2002 میلادی درگذشت. وی بیست و هفتم مارس 1917 در آمریکا به دنیا آمد و پس از طی تحصیلات متوسطه از دانشگاه ییل فارغ التحصیل شد. او مشاغل کاری خود را از خدمت در نیروی دریایی آمریکا آغاز کرد و از سی سالگی به وکالت پرداخت.

ونس سپس در کمیته های مختلف سنای آمریکا از جمله کمیته ویژه نیروهای مسلح، فضا و هوانوردی سمت هایی به عهده گرفت و از سال 1964، معاونت وزارت دفاع به وی سپرده شد.

او در زمان ریاست جمهوری لیندون جانسون در مسائل بین المللی همچون قبرس، کره و مذاکرات صلح ویتنام به عنوان نماینده آمریکا حضور داشت.

ونس در زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر با عنوان وزیر امور خارجه، در تنظیم پیمان صلح مصر با رژیم صهیونیستی در سال 1979 در کمپ دیوید تلاش زیادی کرد و برای به رسمیت شناخته شدن رژیم صهیونیستی تمام فعالیت خود را به کار بست.

نام ونس با تحول مهمی در انقلاب ایران گره خورده و آن هم اشغال لانه جاسوسی آمریکا از سوی دانشجویان پیرو خط امام بود که در آخرین سال ریاست جمهوری کارتر روی داد.

در بحبوحه پیروزی انقلاب، گروهی از سیاستمداران آمریکایی معتقد بودند پس از استحکام رژیم شاه از او بخواهند اصلاحاتی را در ایران انجام دهد و این دیدگاه بیشتر توسط برژینسکی و وزیر دفاع مطرح می شد، در مقابل دیدگاهی بود که منتسب به کبوترها بود، عناصر لیبرال تر و معتدل تر حاکمیت آمریکا که عمدتاً توسط وزارت خارجه و سایروس ونس بیان می شد؛ آنها معتقد بودند که شاه آنچنان در ایران مورد انزجار است که نمی توان بیش از این از شاه حمایت کرد.

یکی از مسائل مهم انقلاب اسلامی، نداشتن درک و شناخت صحیح مقامات آمریکایی از ایران و ساختارهای پیچیده اجتماعی و سیاسی آن است. همین مساله باعث می شد مقامات آمریکایی دیدگاه های متفاوت و گاه کاملاً متناقضی در قبال ایران داشته باشند.

این تناقض در دوران پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین ماجرای گروگان گیری بیش از هر زمان دیگری خود را نشان داد. از مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم تا اقدام نظامی از جمله گزینه هایی بود که هنگام بحران در دستور کار مقامات ایالات متحده قرار می گرفت.

آن موقع برای حل بحران، تماس هایی میان نمایندگان ایران و آمریکا برقرار شد. آخرین تماس رسمی و دیپلماتیک در سطح عالی بین ایران و آمریکا مربوط می شود به دیدار سایروس ونس، وزیر خارجه آمریکا و ابراهیم یزدی (وزیر خارجه دولت موقت) در مجمع عمومی سازمان ملل (1979) که شهریور 58 در نیویورک انجام شد.

مهم ترین محور بحث یزدی - ونس در سال 58 به موضوع استرداد محمدرضا پهلوی بازمی گشت.

سایروس ونس، وزیر خارجه وقت آمریکا، گرچه تاکید داشت که آمریکا با شاه ایران دوست بوده و شرط دوستی وفاداری است، اما از نظر او وقتی شخص در رأس قدرت سیاسی نیست باید واقعیت ها را سنجید. این در حالی بود که هنری کیسینجر خواهان پذیرفتن شاه بود و کارتر را قانع کرد شاه را ببذیرد و همین به بحران گروگان گیری دامن زد.

با وجود این که پیشبینی ها با توجه به افزایش تنش و بحران به سمت قطع روابط می رفت، اما وزیر امور خارجه آمریکا اعلام کرد که اشغال سفارت آمریکا موجب قطع روابط ایران و آمریکا نخواهد شد، اما در عین حال ونس از تلاش های پشت پرده برای حمایت از جریان ضد انقلاب و مخالفان جمهوری اسلامی غافل نبود.

طبق سند «خیلی محرمانه» مورخ 22 سپتامبر 1979 (31 شهریور 1358)، سایروس ونس وزیر امور خارجه آمریکا به سفارت آمریکا در تهران در مورد مراقبت های اطلاعاتی چنین پیام می دهد: «در تماس با ایرانیان تبعیدی در اروپا به طور قطع نباید هیچ گونه اثری وجود داشته باشد که نشانگر آن باشد دولت آمریکا قصد مداخله در جریانات داخلی ایران را دارد یا این که با گروه هایی که علیه دولت جدید ایران نقشه می کشند، همکاری می کند.

لطفاً این موضوع را به طور صریح برای کسانی که با شما تماس می گیرند، روشن کنید. ما روی این موضوع تاکید داریم، زیرا حکومت کنونی ایران نسبت به مقاصد آمریکا شدیداً مظنون است.» معنای این سند اعتراف به آن است که اولادولت آمریکا با گروه های مخالف جمهوری اسلامی ایران ارتباط داشته و ثانیاً آمریکا، قصد مداخله در امور داخلی ایران را داشته است.

در تأیید مطلب فوق، عباس امیرانتظام در خاطرات مربوط به تابستان 58 خود نقل می کند هنگامی که به عنوان سفیر ایران به کشور سوئد رفته بود، در ضمن ملاقات با سفرای کشورهای دیگر، با سفیر شوروی در سوئد نیز ملاقاتی داشته است.

وی در این مورد می گوید: سفیر شوروی در مدتی که با وی ملاقات داشتم، از دخالت های آمریکا در امور ایران صحبت کرد و اظهار داشت که آمریکا در حال تجهیز سلاح و پرداخت پول به گروه های مخالف رژیم مذهبی ایران است.

آن موقع برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر بود و اختلافاتی با سایروس ونس در عرصه سیاست خارجی داشت. در سال 1980، برژینسکی عملیات پنجه عقاب را به منظور آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در ایران طراحی و در آن از واحد نظامی دلتا فورس - که بتازگی ایجاد شده بود - و دیگر واحدهای نیروهای ویژه استفاده کرد. این مأموریت با وضع اسفباری شکست خورد و ونس از سمت وزارت امور خارجه استعفا کرد. ونس با این حال از فعالیت‌های سیاسی کناره‌گیری نکرد و در سال‌های بعد به‌عنوان نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد در مسائلی نظیر یوگسلاوی، آفریقای جنوبی، بوسنی و قره‌باغ شرکت داشت. وی در کتاب خود با نام «انتخاب‌های دشوار» که سال 1983 منتشر شد، ضمن توصیف سیاست آمریکا در قبال ایران در مورد علت سرنگونی رژیم پهلوی می‌نویسد: «سقوط شاه نمونه کاملی برای بررسی چگونگی برخورد تمدن مدرنیسم غرب با ساختار مذهبی و اجتماعی یک جامعه سنتی است.»

کتاب انتخاب دشوار نوشته سایروس ونس درباره دوران پیروزی انقلاب اسلامی و گروگانگیری است که در آن به موضوعات مختلفی در خصوص ایران پرداخته است.

سایروس ونس سرانجام چهاردهم ژانویه 2002 میلادی در سن هشتاد و پنج سالگی درگذشت.

فتاح غلامی / گروه تاریخ